



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرند

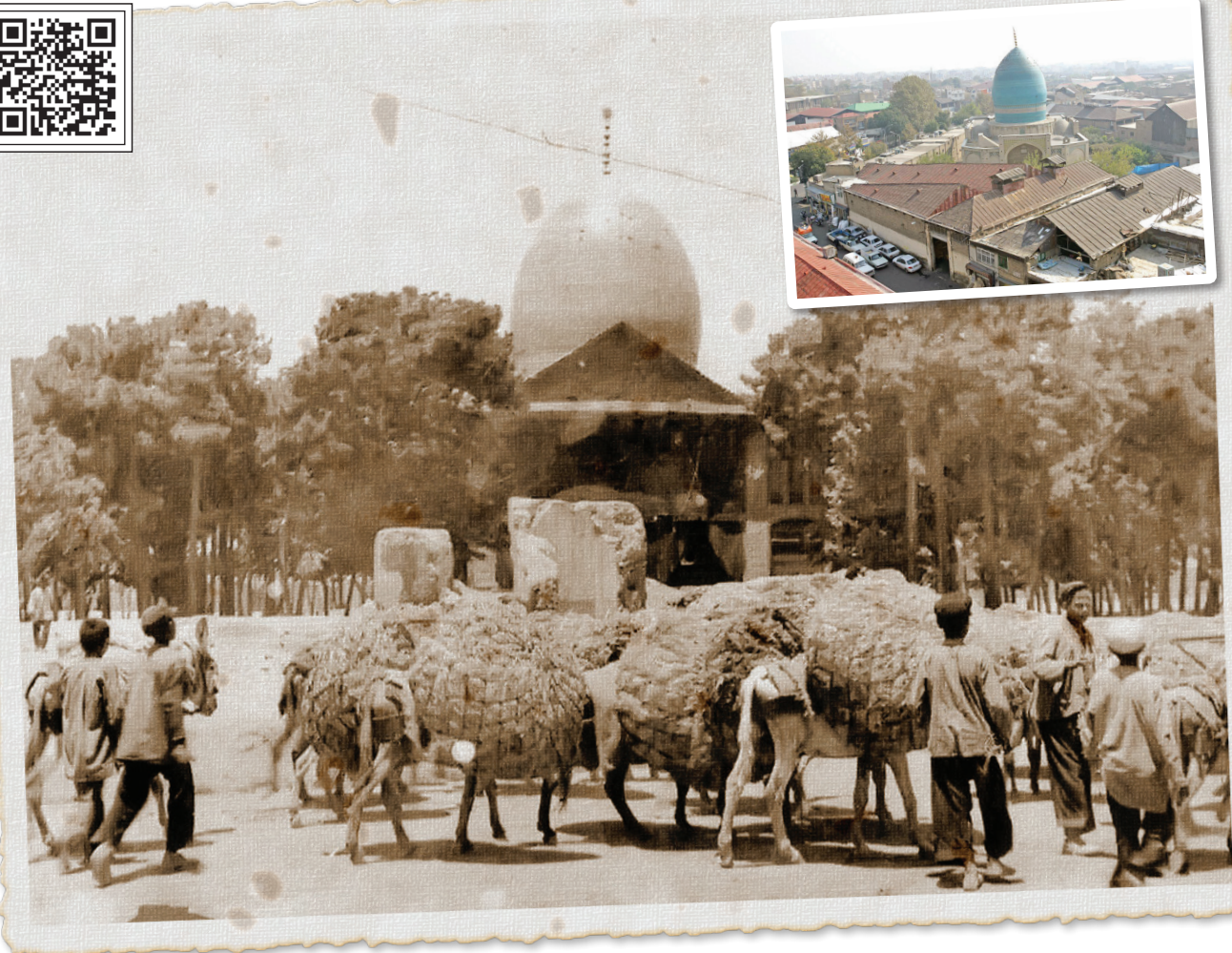
صفحه «روایت تهران» که بیش روی شماسست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذر، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همیشه‌های» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همیشه‌های همراه» هدیه می‌تقدیم می‌کنیم.
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org و ۰۲۳۰۲۳۴۵۵-۴۴۴

در این بقعه شخصیت‌های بسیاری دفن شده‌اند

آرامگاه امام جمعه در دوره قاجاریه

سمیرا باباجانپور
روزنامه‌نگار

گنبد خاص و فیروزه‌های رنگ محله مولوی که در ضلع جنوبی چهارراه مولوی، انتهای خیابان شهید مصطفی خمینی قرار دارد یکی از مکان‌های شاخص این محله است؛ بقعه‌ای با معماری زیبا که اندرون آن با هنر اصیل آینه‌کاری آذین شده است. بیشتر افراد با نام امامزاده سرفقی آقا این بقعه را می‌شناسند در حالی که این بقعه مربوط به یک روحانی درباری دوره قاجار است. درهای این بقعه سال‌هاست بسته است. محمد جلالی از معتمدان محله می‌گوید: «چند سال قبل داخل بقعه را دیدم. قبرهای زیادی آنجا وجود دارد. مدتی خیر بیجی که بخشی از طلاکاری‌های بقعه را زدند و پاره‌ها را برداشته‌اند. ولی بعدها تک‌تک برگرداندند. درهای بقعه سال‌هاست به بهانه مرمت بسته است.» حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی که در این بقعه به خاک سپرده شده، امام جمعه تهران در عصر فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. او بین سال‌های



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

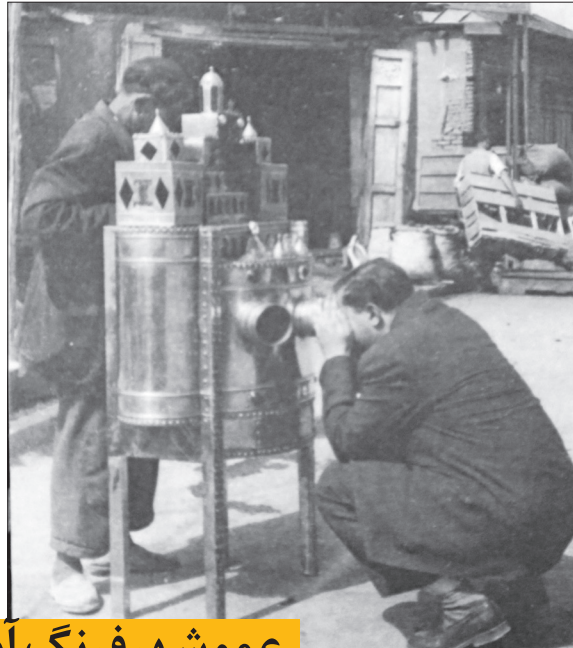


این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



عمو شهر فرنگ آدم خوشبختی بود

خودش تبدیل شده بود و از این کسب‌کار پول خوبی به دست می‌آورد. شهر فرنگ جعبه‌ای بود که سوراخ‌هایی بر بدنه خود داشت. افراد چشمان خود را به داخل این سوراخ‌ها می‌دوختند تا تصویری از ایران قدیم یا نقاط مختلف جهان را ببینند. به این صورت که تصاویر زیبا به صورت طومار کنار هم چسبانده می‌شدند و به دو سر این طومار دو چوب می‌بستند. تا تصویر از یک چوب باز و به چوب دیگر لوله شوند. این طومار در داخل جعبه شهر فرنگ قرار می‌گرفت و عمو شهر فرنگ متناسب با پولی که از یک قران تا ۵ زار در یافت می‌کرد تمام یا قسمتی از تصاویر را نشان می‌داد. بین سوراخ‌های روی دستگاه و تصویر یک عدسی وجود داشت تا تصویر را روشن‌تر و شفاف‌تر نشان دهد.

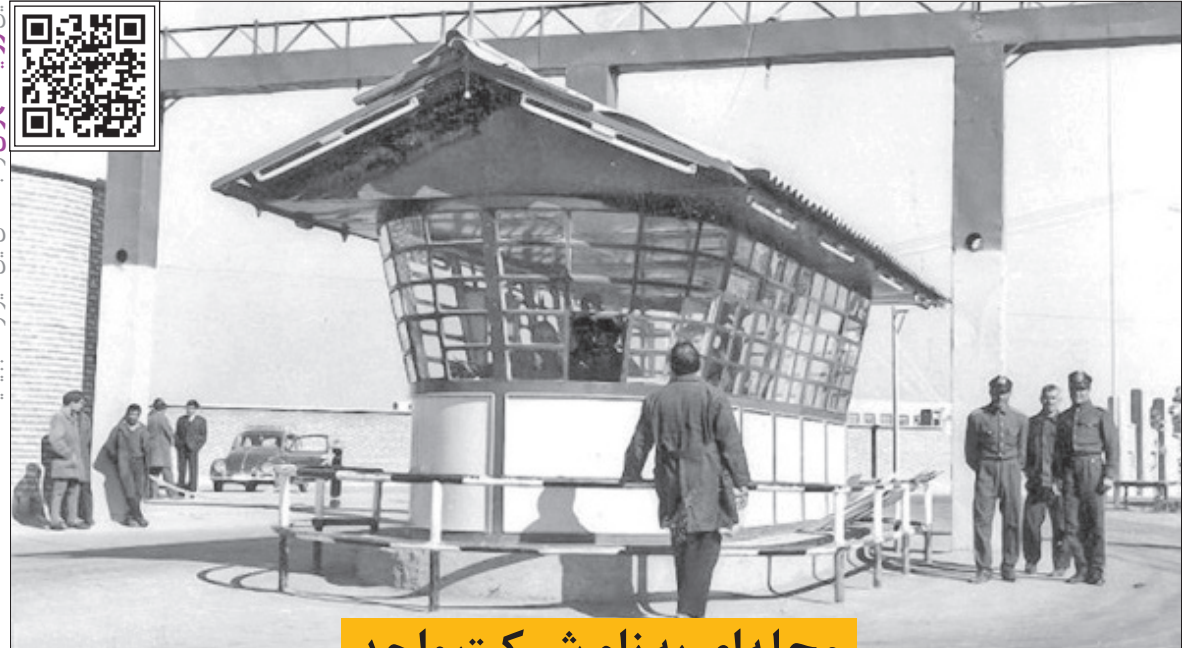


رضا نیکنام
روزنامه‌نگار

حدود ۱۵۰ سال پیش دستگاهی عجیب سر از خیابان‌های پایتخت در آورد که می‌گفتند آدم‌ها را می‌برد به دور دنیا. نامش را شهر فرنگ گذاشته بودند؛ شاید به این خاطر که این دستگاه از فرنگ وارد ایران شده بود و مردم را یک جورهایی به دنیای فرنگ می‌برد. آن روزها «شهر فرنگ» قسمتی از زندگی مردمان کوچه و بازار شد؛ شاید تفریحی مثل سینما رفتن امروز ما. بعضی روزهایشان را در صف‌های طولانی می‌گذراندند تا بتوانند با شهر فرنگ سفری تصویری به دور دنیا داشته باشند. استقبال مردم از این دستگاه به حدی بود که گرداننده دستگاه معروف به «عمو شهر فرنگ» به یکی از آدم‌ها خوشبخت روزگار



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



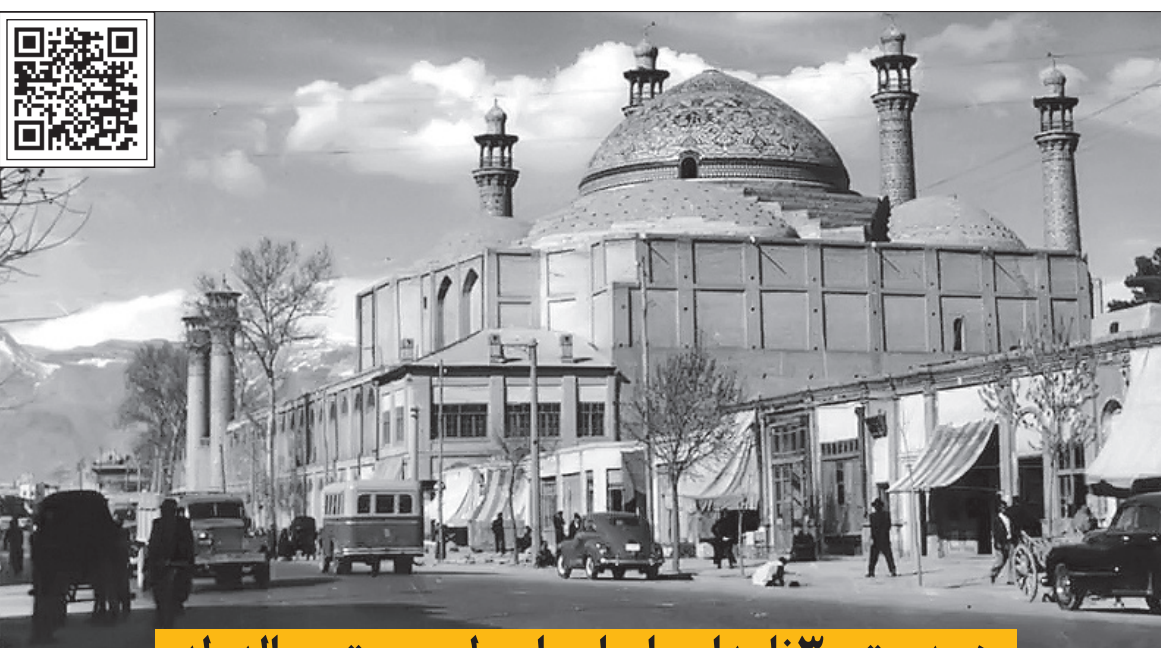
محله‌ای به نام شرکت واحد

پریسا نوری
روزنامه‌نگار

شکل‌گیری محله خواندنی است. عسگر سپهرزاد که از کودکی به دلیل شغل پدرش، در این محله سکونت داشته روایات شنیدنی از روزهای آغاز فعالیت شرکت واحد تعریف می‌کند: «با تاسیس شرکت واحد، پدرم و سایر اتوبوس‌دارها دعوت به کار شدند. آن زمان پارکینگ شرکت واحد دیوار نداشت و دور تا دور محوطه‌ای که پر از اتوبوس‌های گازوئیلی مرسدس بنز و دوچ بود باشکوه محصور شده بود و اطراف تا چشم کار می‌کرد بیابان بود و هیچ‌کس حاضر نبود آنجا زندگی کند. مدیران شرکت هم برای تشویق رانندگان و اتوبوس‌داران خانه‌هایی سازمانی اطراف شرکت ساختند و گفتند: «بیا بیاید زندگی کنید، کرایه هم ندهید پول خانه را از حقوق تان کم می‌کنیم. ما هم در یکی از این خانه‌ها ساکن شدیم و برچی ۳۵ تومان از حقوق پدرم بابت خانه کسر می‌شد.»

قبل از تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی، تعدادی اتوبوس شخصی، کار حمل و نقل مسافران را انجام می‌دادند اما فعالیت‌شان نظم و ترتیب نداشت و به اصطلاح تابع هیچ قاعده و قانونی نبودند. اما در اواسط دهه ۳۰ جایی در محدوده خیابان هنگام، ساختمان اجری برای اتوبوس‌های مسافری در داخل شهری بنا شد که بعدها توسعه پیدا کرد و تابلوی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بر پیشانی آن جا گرفت. با تاسیس شرکت واحد در خیابان هنگام، متن‌ها فعالیت اتوبوس‌های مسافری نظم و ترتیب پیدا کرد بلکه محله‌ای در این خیابان شکل گرفت که ساکنانش همگی در شرکت اتوبوسرانی کار می‌کردند؛ یکی راننده بود، یکی بلیت فروش و دیگری تعمیر کار. خاطرات اهالی از روزهای اول تاسیس شرکت واحد و

این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



همدستی ۳ نامدار برای اجرای طرح ممتحن الدوله

صدر اعظم ناصرالدین شاه، به عنوان بانی این مسجد و مدرسه باشکوه نام می‌برند. او در سال ۱۲۵۸ شمسی ساخت این مسجد را آغاز کرد اما اجل مهلتش نداد و برادرش میرزا حسن کار تکمیل بنا را برعهده گرفت. طرح مسجد سپهسالار، مهدی‌خان ممتحن الدوله شقافی بود و ساخت آن ۵ سال زمان برد. استاد حسن معمار قمی، حاج ابوالحسن معمار و استاد جعفرخان معمارباشی از معمارانی بودند که در ساخت این بنا نقش داشتند. پیش‌ترها در این مدرسه، علوم اسلامی تدریس می‌شد و بعد از افتتاح دانشگاه تهران به دانشکده علوم معقول و منقول تغییر کاربری داد. بعد از شهادت استاد مطهری، این مدرسه به نام ایشان نام‌گذاری شد. این مدرسه و مسجد تاریخی تهران در سال ۱۳۱۵ در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

مسجد یا مدرسه سپهسالار از بناهای برجسته دوران قاجار، شاهد وقایع تاریخی متعددی بوده است. این بنا که در مجاورت ساختمان قدیمی مجلس شورای ملی، در خیابان بهارستان واقع شده، نخستین و بزرگ‌ترین مسجد و مدرسه عالی در تهران به‌شمار می‌رود. مدرسه ناصر، مدرسه میرزا حسین‌خان سپهسالار و مدرسه عالی شهید مطهری از جمله نام‌هایی است که پس از نام اولیه‌اش و در مرور ایام برای نامیدن این بنای تاریخی استفاده شده است. از ویژگی‌های بارز این بنا معماری اصیل ایرانی آن است و آمیزه‌ای از معماری بناهایی همچون مسجد جامع اصفهان، مدرسه چهارباغ اصفهان و مسجد ایاصوفیه استانبول را در خود جای داده است. از میرزا حسین‌خان سپهسالار قزوینی،

مریم قاسمی
روزنامه‌نگار



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



سنگ‌های آتشفشانی ۴۰ میلیون ساله در غرب پایتخت

نریا روزبهانی
روزنامه‌نگار

صراحت عنوان می‌کند که این حفره‌های سنگی «توف» است؛ «در برخی از مناطق کشورمان شاهد وجود کوه‌های آتشفشان هستیم. این کوه‌ها هنگامی که مواد درونشان فوران کند، موادی همچون گاز، مایع و جامد از آنها خارج می‌شود که روی زمین می‌نشینند و سنگ‌ها و توف آتشفشانی را پدید می‌آورند. سنگ‌های این منطقه، سنگ‌هایی قدیمی‌اند و قدمت آنها به ۳۰ تا ۴۰ میلیون سال قبل برمی‌گردد. آتشفشان‌ها حدود ۴۰ میلیون سال پیش یا دوران سنوزوئیک اتفاق افتاد، به همین دلیل این سنگ‌ها، بقایای خاکستر آتشفشان هستند. حال ممکن است این خاکستر در آب یا خشکی ریخته شده باشد. از طرفی این خاکسترها در اثر وزش باد، فرسوده می‌شوند. نمونه دیگری از این توف در روستای کندوان شهر تبریز وجود دارد.»

یکی از زیبایی‌های کم‌تر شناخته شده تهران، سنگ تراشه‌های پهنه غربی پایتخت است. این مجموعه سنگی در حدفاصل ۲ روستای وردیج و واریش قرار گرفته و گردشگران در طول جاده منتهی به این دو روستا سنگ‌هایی در اشکال مختلف را می‌بینند. بعضی از آنها شبیه آدم‌های نشسته هستند و بعضی هم به اسکلت سنگی حیوانات شباهت دارند. به همین دلیل به این مکان «کوه‌های عروسکی» یا «آدمک‌های جیان» هم می‌گویند. از شکل سنگ‌ها می‌توان دریافت که فرسایش خاک روی آنها نقش‌ونگاری ماندگار به یادگار گذاشته است. اهالی روستا اعتقاد دارند، در گذشته در این مکان، قلعه قدیمی وجود داشته و اجدادشان در این قلعه زندگی می‌کردند و مجسمه‌هایی از این قلعه بوده است اما دکتر حمید نظری، زمین‌شناس به